

واکاوی جهر و اخفات قرائت حمد و سوره نمازهای یومیه از دیدگاه مذاهب اسلامی

سید مهدی احمدی نیک،^۱ سید علی دلبری،^۲ حسین رفتاری^۳
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۱۰)

چکیده

از جمله مسائل مورد اختلاف فقیهان مذاهب اسلامی، جهر و اخفات قرائت نماز است و واژه قرائت افزون بر حمد و سوره شامل استعاذه، بسمله و تسبیحات اربعه هم می‌گردد. در این نوشتار این مطالب بررسی می‌شود: حکم قرائت حمد و سوره در نمازهای یومیه از دیدگاه فقیهان شیعه و اهل سنت به لحاظ جهر و اخفات چگونه است؟ و اینکه حکم قرائت در رکعت سوم و چهارم نماز چیست؟ طبق نظر مشهور بین فقیهان شیعه، اخفاتی بودن قرائت حمد و سوره در نمازهای ظهر و عصر برای مردان و زنان واجب است، در حالی که قرائت حمد و سوره در نمازهای مغرب و عشاء به صورت جهری فقط برای مردان واجب است. در مقابل، برخی از فقیهان اهل سنت این حکم را مستحب و برخی دیگر اختیاری می‌دانند، در حالی که شافعی نیز مانند فقهای شیعه فتوا داده است. هم‌چنین مشهور فقیهان شیعه و بیشتر فقیهان شافعی اخفاتی بودن قرائت در رکعت سوم و چهارم را واجب و دیگر فقیهان اهل سنت آن را مستحب می‌دانند. این نوشتار با نگاهی تقریبی و به

۱. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران / استاد خارج

فقه و اصول، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران / ahmadinik@razavi.ac.ir

۲. دانشیار، گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران /

delbari@razavi.ac.ir

۳. دانش پژوه سطح چهارم، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) /

h09158239308@gmail.com

روش توصیفی - تحلیلی، به بازکاوی موضوع پرداخته و دلایل مذاهب مختلف را بررسی نموده است، تا از این طریق ضمن شناخت نظریه‌های فقیهان شیعه و اهل سنت، زمینه انتخاب نظریه حق که همان نظر مشهور فقیهان شیعه و اکثریت فقهای شافعی است، فراهم آید.

کلیدواژه‌ها: نمازهای یومیه، قرائت حمد و سوره، جهر و اخفات، فقه شیعه، مذاهب اربعه اهل سنت.

طرح مسئله

در دین مقدس اسلام نماز از واجبات و ضروریات است و بر این فریضه الهی در آیات فراوانی از قرآن کریم سفارش شده است (بقره، ۲۳۸؛ نساء، ۱۰۳؛ طه، ۱۴؛ عنکبوت، ۴۵). یکی از واجبات نماز، قرائت است (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۷۲؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۴۳؛ نووی، بی تا، ج ۳، ص ۳۹۲؛ رافعی قزوینی، بی تا، ج ۳، ص ۱۷۱) که وجوب آن مورد اتفاق فقهای مذاهب به جز احناف است که قرائت را یکی از واجبات نماز شمرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۲۷؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۲۸؛ نووی، بی تا، ج ۳، ص ۳۶۱؛ جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۵۳). هم‌چنین شرط صحت نماز نیز به شمار می‌رود. اما فقیهان حنفی با استناد به آیه شریفه «فَأَقْرءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ: هر چه از قرآن میسر شد بخوانید» (مزل، ۸) معتقدند در قرائت نماز باید آیاتی از قرآن خوانده شود و خواندن سوره حمد واجب نیست (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۵۳؛ کاسانی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۱۶۰). مراد از قرائت، خواندن حمد و سوره در رکعت اول و دوم و خواندن تسبیحات اربعه یا حمد در رکعت سوم و چهارم نمازهای یومیه است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۱۰۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۹۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۷۱؛ مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۰۹؛ انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۷۰؛ ابن مفلح، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۸۳؛ ابن عسکر، بی تا، ج ۱، ص ۱۶).

فقهای امامی و شافعی معتقدند بسمله جزو تمام سوره‌های قرآن بوده و واجب است در ابتدای قرائت نمازهای یومیه خوانده شود (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲۸؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹۸؛ انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۷۱؛ بیهقی، ۱۳۴۴ق، ج ۲، ص ۴۴). فقیهان مالکی قرائت آن را در نمازهای واجب، چه به صورت بلند و چه آهسته، هم در

ابتدای سوره فاتحه و هم در ابتدای دیگر سوره‌های قرآن منع کرده‌اند، اما قرائت آن را در نمازهای نافله جایز دانسته است (عبدری غرناطی، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۵۴۴؛ ابن‌شاس، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۹۹؛ ابن‌جزی کلبی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۴). فقیهان حنبلی و حنفی گفته‌اند: می‌توان آن را آهسته در ابتدای سوره فاتحه در هر رکعت، قرائت کرد (ابن‌رشد، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۱۳۲؛ جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۵۰). هم‌چنین استعاذه جزو مستحبات قرائت سوره حمد به‌شمار می‌رود و فقط در ابتدای رکعت اول قرائت نماز خوانده می‌شود. همه فقهای مذاهب اسلامی آن را از مستحبات قرائت به‌شمار آورده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۱۶۱؛ نووی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۲۴؛ سرخسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸؛ خطیب شربینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۴۳؛ مرداوی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۷).

یکی از فروع بحث قرائت، مسئله جهر و اخفات قرائت نمازهای یومیه است که این نوشتار اختصاص به این مسئله فقهی دارد. بر همین اساس که بر همه مسلمانان واجب است نمازهای یومیه را به صورت جهریه و اخفاتیه بخوانند، این مطلب اهمیت دارد که آراء و دلایل فقهی هر یک از مذاهب اسلامی که مبتنی بر منابع اسلامی است، نقد و بررسی شود تا همراه با نگاه تطبیقی بوده و موجب تقریب مذاهب اسلامی شود. علاوه بر اینکه در این پژوهش دیدگاه مذاهب اسلامی بر اساس منابع فقهی به‌صورت علمی و به دور از تعصب بررسی و کنکاش شده است. این موضوع را بیشتر فقیهان مذاهب اسلامی در باب «قرائت نماز» بحث و بررسی نموده‌اند و در روایاتی از پیامبر اکرم ﷺ و اهل‌بیت ﷺ نیز مطرح شده است (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳۱۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۱۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۳۷). علاوه بر اینکه چندین مسئله فقهی در کتابهای مذاهب اسلامی بدان اختصاص یافته ولی به طور جامع و دقیق در زمینه جهر و اخفات قرائت حمد و سوره نمازهای یومیه از دیدگاه شیعه و مذاهب اربعه اهل سنت پژوهشی انجام نشده است. لازم به ذکر است مقاله‌ای از دلبری با عنوان «معیار جهر و اخفات قرائت نماز از دیدگاه فقیهان شیعه» نگاشته شده است. در آنجا بیان شده ملاک جهر و اخفات قرائت نماز از سوی فقهای شیعه عرفی بوده و آشکار شدن جوهره صدا و شنیدن صدای نمازگزار از سوی دیگران ملاک برای جهریه قرائت کردن نماز محسوب نمی‌شود (دلبری، احمدی نیک و رفتاری، ۱۳۹۹ش). در این مقاله، جهریه و اخفاتیه قرائت کردن حمد و سوره در

نمازهای یومیه از سوی فقهای مذاهب اسلامی به همراه ادله و مستندات آنان بررسی و نقد نشده است. بنابراین در مورد جهر و اخفات قرائت نمازهای یومیه از دیدگاه مذاهب اسلامی تألیف مستقلی صورت نگرفته است. نگارندگان در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به صورت تطبیقی مسئله جهر و اخفات قرائت نمازهای یومیه و ادله آن را بررسی نموده‌اند.

مفهوم‌شناسی جهر و اخفات

واژه «جَهْر» مصدر از ماده «جَهَرَ يَجْهَرُ» به معنای آشکار شدن و آشکار کردن به وسیله دیدن یا شنیدن است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۸۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۸۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۲، ص ۱۲۹). هم‌چنین این کلمه به معنای صدای بلند نیز استعمال شده و به شخصی که تَنْ صدایش هنگام سخن گفتن بالا باشد گفته می‌شود: «رَجُلٌ جَهِيرُ الصَّوْتِ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۵۰). بعضی از اهل لغت این واژه را اخص از اظهار دانسته و برای مبالغه در آشکار و اظهار نمودن به کار برده‌اند (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۲). هم خانواده‌های این ماده در قرآن کریم ۱۶ مرتبه تکرار شده است. در اصطلاح فقیهان مذاهب اسلامی، مراد از جهر در ترکیب «جهر قرائت» آشکار کردن و بلند خواندن است و مراد از قرائت، حمد و سوره در رکعت اول و دوم و قرائت تسبیحات اربعه یا حمد به تنهایی در نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی است و جهر سایر ذکرها و دعاها مورد نظر نیست (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۹؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۷۱؛ تویجری، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۴۴۵؛ زحیلی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۸۱۲).

واژه «إِخْفَات» از ماده «خفت» گرفته شده و در لغت به معنای کتمان و پنهان کردن و سخن گفتن به صورت آرام و آهسته است. لازم به ذکر است سه واژه «خفض، خفت و خفی» در زبان عرب به معنای پنهانی و آهسته سخن گفتن است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۳۱۴ و ص ۳۳۹). خفت و مشتقات آن در قرآن کریم سه مرتبه استفاده شده است (اسراء، ۱۱۰؛ طه، ۱۰۳؛ قلم، ۲۳). به علاوه کلمه خفت مانند جهر، مشترک معنوی است و اصل واحد تمام معانی «پایین بودن صدا است تا حدی که نزدیک به پنهانی سخن گفتن و کتمان کردن کلام است و این معنا در مقابل جهر است» (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۳، ص ۹۰). اما در اصطلاح فقه امامیه مراد از إخفات قرائت، وجوب آهسته خواندن حمد و

سوره در رکعت اول و دوم نمازهای ظهر و عصر برای مردان و زنان و همچنین آهسته خواندن تسبیحات اربعه یا حمد در رکعت سوم و چهارم در نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی است و اخفات سایر ذکرها و دعاها مورد نظر نیست (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۸۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۷۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۹۹؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۴۹).

حکم جهر و اخفات قرائت حمد و سوره

در میان فقیهان مسلمان در این مورد سه دیدگاه وجود دارد که به بررسی آراء و نظریه آنان همراه با ادله هر کدام پرداخته می‌شود.

۱. وجوب جهر قرائت بر مردان در نمازهای جهریه و وجوب اخفات بر مردان و زنان در نمازهای اخفاتیه

بنابر نظریه مشهور فقهای امامیه طبق روایات معصومان علیهم‌السلام (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۴۰۶؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۷) به جهر خواندن حمد و سوره در نمازهای صبح، مغرب و عشاء برای مردان واجب است؛ اما در نمازهای ظهر و عصر، اخفاتی خواندن حمد و سوره برای مردان و زنان واجب است (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۹؛ حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۴۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۷۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۳۶۴؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۴۹). مشهور فقیهان شافعی نیز همین نظریه را قبول دارند (عمرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۰۵؛ انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۷۰؛ مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۰۹).

۱-۱. ادله فقیهان شیعه

ادله فقیهان شیعه را می‌توان در پنج دلیل دسته‌بندی کرد:

الف) قرآن کریم: بعضی از فقیهان شیعه مانند فاضل مقداد به آیه ۱۱۰ سوره اسراء بر وجوب جهر و اخفات قرائت نماز استدلال می‌کنند «قُلْ اِدْعُوا اللهَ اَوْ اِدْعُوا الرَّحْمٰنَ اَيًّا مَا تَدْعُوْا فَلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی وَلَا تَجْهَرُ بِصَلٰتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيْلًا». ایشان در ذیل این آیه شریفه پنج احتمال تفسیری را بررسی نموده و احتمال اول را

برگزیده است: «همه نمازهایت را بلند و آهسته بخوان، بلکه نماز مغرب، عشاء و صبح را بلند و نماز ظهر و عصر را آهسته بخوان» (فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۱۴۵) و سه قرینه بر اثبات نظریه خویش آورده است: ۱. ظاهر الفاظ این آیه: که صراحت در جهریه و اخفاتیه خواندن قرائت نماز دارد؛ ۲. حمل مجمل بر مبین: اجمال در آیه که فعل پیامبر اکرم ﷺ تبیین کننده آن بوده که به صورت متواتر نقل شده و ایشان نمازهای صبح، مغرب و عشاء را به صورت بلند و نمازهای ظهر و عصر را به صورت آهسته قرائت می کردند. علاوه بر اینکه از مشهور فقها این تواتر نقل شده است؛ ۳. امر به جهر و اخفات در آیه: که امر نیز دال بر وجوب است (همان، ج ۱، ص ۱۲۹). از دیگر فقیهانی که چنین دیدگاهی دارد راوندی بوده که ایشان نیز همانند فاضل مقداد به فعل پیامبر ﷺ استناد می کند (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۰۴).

اشکال مشهور فقیهان شیعه به این دیدگاه این است که این آیه هیچ دلالتی بر وجوب جهر و اخفات ندارد و نهایت مطلبی که می توان از این آیه برداشت نمود این است که در نمازهای جهریه صدای نمازگزار آن قدر بلند نباشد که دیگران از صدای او ناراحت شوند و در نمازهای اخفاتیه طوری آهسته نباشد که حتی خودش هم صدایش را نشنود (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۵۳۴؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۲۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۸؛ طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۲۴۵؛ یزدی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۹۷).

(ب) روایات: با بررسی روایات جهر و اخفات قرائت نماز، می توان روایات این باب را به سه دسته تقسیم کرد:

۱- دسته اول روایات: روایاتی که بر اصل جهر و اخفات قرائت دلالت دارند. در این دسته سه روایت مهم و اساسی وجود دارد که بیشتر فقهای شیعه برای اثبات وجوب جهر و اخفات قرائت نماز به آن استدلال می کنند؛ این روایات شامل صحیح اول و دوم زراره از حضرت امام محمدباقر علیه السلام (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۸۶؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۱۴۷؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳۱۳) و روایت سوم، روایت علی بن جعفر از برادر گرامی شان، حضرت امام موسی کاظم علیه السلام است (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۱۶۲؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳۱۳) که به توضیح روایت اول بسنده می شود:

صحیح اول زراره: مردی از امام باقر علیه السلام سؤال کرد: اگر کسی نمازهای جهریه را اخفاتی خوانده و یا نمازهای اخفاتی را به صورت جهری بخواند؛ حکم مسئله چیست؟

امام علیه السلام در جواب فرمودند: اگر این کار از روی عمد انجام شده نماز باطل است و باید نمازش را اعاده کند؛ اما در صورتی که از روی اشتباه یا فراموشی یا ندانستن مسئله انجام دهد، نمازش صحیح است. در صحیح اول زراره به دو فقره از روایت برای اثبات وجوب جهر و اخفات قرائت نماز استناد شده است: ۱. «لا ینبغی»: در این روایت چون به همراه «وعلیه الإعادة» به کار رفته ظهور در وجوب داشته و دلالت بر عدم جواز جهر و اخفات در غیر از محل خودش دارد؛ علاوه بر اینکه در دنباله روایت امام علیه السلام می فرماید: «وعلیه الإعادة» که ظهور در بطلان چنین نمازی دارد (خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۴، ص ۳۷۶). ۲. «نقض»: مرحوم کاشف الغطاء به این فقره از روایت بر وجوب جهر و اخفات قرائت استدلال کرده است (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ص ۱۵۵). علاوه بر اینکه نجفی معتقد است در صورتی که این کلمه در صحیح زراره به صورت «نقص» بدون نقطه هم استعمال شده باشد باز هم این صحیح دلالت بر وجوب جهر و اخفات قرائت نماز دارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۳۶۵). علاوه بر اینکه «زرارة بن أعین» این روایت را نقل نموده و یکی از اصحاب اجماع^۴ است که روایات زیادی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام دارد. علاوه بر اینکه امامین صادقین علیهما السلام ایشان را مورد اعتماد خویش دانسته و او را بارها تشویق و تحسین نمودند. هم چنین فقیهان شیعه و نویسندگان کتابهای رجال شیعه ایشان را توثیق نموده و مورد اعتماد و اطمینان خود می دانند (کشی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۳۳؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۷۵؛ ابن داود حلی، ۱۳۴۲ش، ص ۱۵۶). بهبهانی در ذیل روایت اول زراره بر وجوب جهر و اخفات قرائت نماز، که بعضی از فقهای شیعه صحیح دوم زراره را از حیث سند و دلالت برتر از صحیح اول زراره می دانند چنین می نگارد: «روایات زراره چه از طریق طوسی و چه از طریق ابن بابویه نقل شود، حجت و قابل استناد است. علاوه بر اینکه زراره در نقل حدیث از دیگر راویان سخت گیرانه عمل می نموده و هر حدیثی را نقل نمی کرده است؛ هم چنین اگر ایشان نبودند آثار نبوت و دین اسلام از بین می رفت؛ بنابراین روایات زراره خصوصاً این روایت که دلالت بر وجوب جهر و اخفات دارد حجت است» (بهبهانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۷).

۴. اصحاب اجماع گروهی از بزرگان اصحاب ائمه علیهم السلام هستند که بر صحت روایات منقوله از آنان ادعای اجماع شده است؛ اگرچه روایت آنان از معصوم مرسل یا مرفوع باشد (مدیرشانه چی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۰۰).

بنابر نظریه مشهور فقیهان شیعه صحیح اول زراره دلالت بر وجوب جهر و اخفات قرائت نماز دارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۳۶۶؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ص ۱۵۵). هم-چنین مرحوم خوبی منطوق و ظاهر این روایت را حمل بر وجوب جهر و اخفات قرائت نماز کرده است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۴، ص ۳۷۲).

۲- دسته دوم روایات: سه روایت در اینجا آورده شده که علت جهر و اخفات قرائت نماز را بیان می‌کنند و بسیاری از فقیهان شیعه معتقدند: روایاتی که علت و فلسفه جهر و اخفات قرائت نماز را بیان می‌کنند، دلالت بر وجوب جهر و اخفات قرائت نماز دارند (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۳۵۸؛ طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۲۳۵). اما مرحوم خوبی روایات این دسته را فقط از باب مؤید می‌پذیرد و از جهت سند، این روایات را ضعیف می‌داند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۴، ص ۳۸۰).

- روایت فضل بن شاذان: فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام علت اینکه چرا بعضی از نمازها باید به صورت جهریه و دیگر نمازها به صوت اخفاتیه خوانده شود، سؤال کرده و امام رضا علیه السلام چنین می‌فرماید: «زیرا این نمازها در زمانهایی خوانده می‌شوند که آسمان تاریک است و باید بلند خوانده شود تا افرادی که از آنجا عبور می‌کنند باخبر شوند از اینکه آنجا نماز جماعت برگزار می‌شود؛ اما نمازهای اخفاتیه چون در روز روشن خوانده می‌شوند و مردم می‌بینند که نماز خوانده می‌شود لذا نیازی به بلندخواندن این نمازها نیست» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۰۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۸۲). بعضی از فقیهان شیعه به این روایت بر وجوب جهر و اخفات قرائت نماز استناد کرده و تصریح به لفظ «وجب» را در متن این روایت دلیل بر وجوب جهر و اخفات قرائت نماز می‌دانند (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۸۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۱۳۲؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۵۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۳۶۷؛ محقق داماد، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۲۱۳؛ طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۲۳۶). روایت دیگری با همین مضمون اما با کمی اختلاف در الفاظ آن، از محمد بن ابی حمزه (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۲۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۸۳) وارد شده که بنابر نظریه فقیهان شیعه این روایت مانند روایت فضل بن شاذان، دلالت بر وجوب جهر و اخفات قرائت نماز دارد.

- روایت محمد بن عمران: محمد بن عمران از امام صادق علیه السلام چنین سؤال کرد: «چرا در نماز جمعه، نماز مغرب، عشاء و نماز صبح قرائت نماز بلند و در سایر نمازها آهسته

خوانده می‌شود؛ ایشان فرمود: زیرا رسول خدا ﷺ که به معراج برده شد، اولین نمازی که از جانب خداوند بر او واجب شد نماز ظهر بود و فرشتگان همراه با آن حضرت نماز را به جماعت خواندند و خداوند به رسولش فرمان داد قرائت نماز را بلند بخواند تا فضلش بر آنها آشکار شود. سپس وقت نماز عصر رسید و پیامبر ﷺ نماز را فرادی و به صورت اخفاتیه خواند، خداوند فرمان داد که نماز را آهسته بخواند. آن‌گاه نماز مغرب و عشاء را بر ایشان واجب فرمود و فرشتگان را فرمان داد تا به ایشان اقتدا کنند و حضرت را امر فرمود که قرائت نماز را بلند بخواند. پس هنگامی که نزدیک طلوع فجر شد به زمین بازگشت و با مردم به نماز صبح ایستاد و خداوند او را امر فرمود که قرائت نماز را بلند بخواند تا بزرگی و فضلش بر همگان روشن شود» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۰۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۸۳). بعضی از فقیهان شیعه به این روایت بر وجوب جهر و اخفات قرائت نماز استدلال کرده و معتقدند در این روایت لفظ «امر» وجود دارد که خداوند متعال، پیامبر گرامی اسلام ﷺ را در شب معراج به جهر و اخفات قرائت نمازها امر نموده است و اوامر الهی دلالت بر وجوب دارد (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۸۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۱۳۲؛ بهبهانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۸؛ حائری یزدی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۸۹؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ص ۳۵۰).

- روایت یحیی بن اُکثم^۵: این روایت نیز مانند دو روایت دیگری که به آن اشاره شد بر فلسفه جهر و اخفات قرائت نماز دلالت دارد؛ لذا این روایت هم می‌تواند دلیل بر وجوب جهر و اخفات قرائت نماز باشد (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۳۵۸؛ طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۲۳۵).

۳- دسته سوم روایات: در این دسته، هشت روایت مستفیضه وارد شده که جهر و اخفات در نمازهای جماعت را بیان کرده و همچنین نمازها را به دو دسته جهریه و اخفاتیه تقسیم می‌کند. بعضی از فقیهان شیعه به این روایات بر وجوب جهر و اخفات قرائت نماز استدلال نموده‌اند. این فقیهان معتقدند در این روایات فعل «جهر» که به صورت

۵. «محمد بن علی بن الحُسَین بِإِسْنَادِهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ أُكْتَمِ الْقَاضِي أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ ﷺ عَنْ صَلَاةِ الْفَجْرِ لَمْ يُجْهَرُ فِيهَا بِالْقِرَاءَةِ وَ هِيَ مِنْ صَلَوَاتِ النَّهَارِ وَ إِنَّمَا يُجْهَرُ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ فَقَالَ لِأَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يُعَلِّسُ بِهَا قَرْبَهَا مِنَ اللَّيْلِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۰۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۸۴).

مضارع به کار رفته دلالت بر استمرار و مداومت دارد و از فعل مضارع «يَجْهَرُ» و «لَا يَجْهَرُ» استمرار جهر و اخفات قرائت نماز از ابتدای شریعت تا به الآن در فقه به دست می آید (ر.ک: کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ص ۱۵۵؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۵۷؛ بهبهانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۳۶۸).

روایات این دسته، صحیحه حلبی^۶، صحیحه عبدالرحمن بن حجاج (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۷۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۵۶)، صحیحه عبدالله بن سنان (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۳، ص ۳۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۵۷)، صحیحه اول علی بن یقظین (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۴۲۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۵۸)، صحیحه دوم علی بن یقظین (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۲۹۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۵۸)، روایت آزدی (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۵۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۶۰)، روایت رجاء بن ابی ضحاک (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۸۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۸۵)، صحیحه محمد بن مسلم (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۳، ص ۱۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۶۲) است.

ج) سیره مستمره پیامبر اکرم ﷺ و معصومان^۷: یکی از منابع مهم برای به دست آوردن احکام شرعی الهی، سنت است که مورد اتفاق همه مسلمانان است. سیره به عمل و فعل نبی مکرم اسلام ﷺ و معصومان^۸ از نظر علمای شیعه (محدثی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۱۹؛ ذاکری، ۱۳۹۸ش، ص ۷۰) و فعل پیامبر ﷺ از دیدگاه عالمان اهل سنت اطلاق می شود (شاطبی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۸۹؛ غوری، ۱۴۲۸ق، ص ۴۱۲) از پیامبر گرامی اسلام ﷺ هم از طرق روایان شیعه و هم روایان اهل سنت نقل شده که ایشان می فرمایند: «صَلُّوا کَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۳۱۴؛ ابن ابی جمهور احسائی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۸۵؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۸۲، ص ۲۷۹؛ بخاری، ۱۴۰۷ق، ص ۱۶۳؛ بیهقی، ۱۳۴۴ق، ج ۱، ص ۶۳؛ دارمی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۱۸). در باب جهر و اخفات قرائت نماز نیز می توان بر طبق سیره پیامبر اکرم ﷺ عمل نمود. هم چنین در سیره امام رضا^۹ نقل شده که

۶. «محمّد بن علی بن الحُسَینِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا صَلَّيْتَ خَلْفَ إِمَامٍ تَأْتَمُّ بِهٖ فَلَا تَقْرَأْ خَلْفَهُ سَمِعَتْ قِرَاءَتَهُ أَمْ لَمْ تَسْمَعْ إِلَّا أَنْ تُكُونَ صَلَاةً يُجْهَرُ فِيهَا بِالْقِرَاءَةِ وَ لَمْ تَسْمَعْ فَاقْرَأْ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۹۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۵۵).

ایشان قرائت حمد و سوره نمازهای صبح، مغرب و عشاء را به صورت جهریه و قرائت حمد و سوره نمازهای ظهر و عصر را به صورت إخفاتی می خواندند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۸۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۸۵). از این روایت استمرار و مداومت جهر و اخفات قرائت نماز از سوی حضرت رضا علیه السلام به دست می آید و پیروی از این سیره بر ما واجب است. بنابراین برخی از فقیهان شیعه برای اثبات وجوب جهر و اخفات قرائت نماز به سیره عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان شیعه علیهم السلام استناد کرده اند (حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۷۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۶؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۲۰؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۳۷۶؛ بحرانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۳۹). مرحوم بروجردی شرط مداومت و استمرار سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام را ضمیمه شدن روایت «صَلُّوا کَمَا رَأَيْتُمُونِي أَسَلِّي» می داند که در این صورت، سنت و سیره دلالت بر وجوب جهر و اخفات قرائت نماز دارد (طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۲۳۷).

بعضی از فقیهان شیعه استناد به این دلیل را نا تمام دانسته و معتقدند سیره ای که از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان شیعه علیهم السلام جریان پیدا کرده دلالت بر وجوب جهر و اخفات قرائت نماز ندارد؛ بلکه فقط بر رجحان و برتری این عمل دلالت دارد. هم چنین دلیل تأسی از فعل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند: «صَلُّوا کَمَا رَأَيْتُمُونِي أَسَلِّي» از جهت سند ضعیف است، زیرا این روایت از طرق اهل سنت به ما رسیده است (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۳۵۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۱۳۰؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۵۶؛ خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۴، ص ۳۷۱؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۱۹۹).

(د) اجماع: مشهور فقیهان شیعه به اجماع منقول بر وجوب جهر و اخفات قرائت نماز استدلال نموده اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۱؛ ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۷۸؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۱۹؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۱۸؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ص ۱۵۵؛ بهبهانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۳۶۴؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۱۹۸).

(ه) احتیاط: فقیهان شیعه معتقدند زمانی که در وجوب جهر و اخفات قرائت نماز شک کردیم، عقل حکم به وجوب احتیاط می دهد. این احتیاط اقتضای وجوب جهر قرائت در

نمازهای جهری و وجوب اخفات در نمازهای اخفاتی را دارد؛ زیرا برای نمازگزار در صورتی یقین و برائت ذمه از تکلیف حاصل می‌شود که از عهده تکلیف بیرون آید و این امر ممکن نیست مگر اینکه قائل به وجوب جهر و اخفات قرائت نماز شویم (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۱؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۵۴؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ص ۱۵۵).

۱-۲. ادله فقیهان شافعی

ادله فقیهان شافعی را می‌توان در چهار دلیل دسته‌بندی کرد:

(الف) روایات صحیح: روایات صحیح‌های بر وجوب جهر و اخفات قرائت نمازهای یومیه دلالت دارد (انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۷۰).

(ب) تأسی به فعل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: از پیامبر گرامی اسلام نقل شده به صورت متواتر که قرائت حمد و سوره ایشان در نمازهای صبح، مغرب و عشاء به صورت جهریه و بلند بوده است (عمرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۰۵).

(ج) اجماع: بعضی از فقیهان شافعی قائل به اجماع در جهر و اخفات قرائت حمد و سوره هستند و جهریه خواندن قرائت حمد و سوره را اختصاص به امام جماعت داده‌اند (انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۷۰).

(د) قیاس: مقایسه بین نمازگزاری که فرادی نماز می‌خواند با امام جماعت؛ در اینکه نمازگزار فرادی مانند امام جماعت است در اینکه می‌توانند هر دو در نماز تدبیر و تأمل داشته باشند (انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۷۰).

۲. استحباب جهر قرائت بر مردان در نمازهای جهریه و استحباب اخفات قرائت بر مردان و زنان در نمازهای اخفاتی

بعضی از فقیهان شیعه برای مردان حکم به استحباب جهر قرائت حمد و سوره در نمازهای صبح، مغرب و عشاء و استحباب اخفات قرائت حمد و سوره در نمازهای ظهر و عصر داده‌اند (ابن جنید، ۱۴۱۶ق، ص ۵۵؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص ۸۴؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۸۲، ص ۷۱؛ سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۹۳؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۳۵۸؛ فاضل کاظمی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۲۰۲). از میان فقیهان مذاهب اربعه اهل سنت، بعضی از فقیهان شافعی و مشهور فقیهان مالکی و حنبلی نیز قائل به چنین نظریه‌ای هستند (انصاری،

۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۷۰؛ خطیب شریینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۵؛ ابن عبدالبر، ۲۰۰۰م، ج ۱، ص ۴۶۲؛ عبدری غرناطی، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۵۲۵؛ مقدسی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۷۶؛ بهوتی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۳۳۲؛ مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۱۰).

۲-۱. ادله فقیهان شیعه

ادله فقیهان شیعه را می‌توان در سه دلیل دسته‌بندی کرد:

الف) قرآن کریم: این آیه شریفه (اسراء، ۱۱۰) مورد استناد قائلان نظریه اول نیز بود که در آنجا بیان شد. بیشتر مفسران شیعه این آیه را ناظر بر افراط و تفریط در بلند و آهسته خواندن نماز می‌دانند (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۵۳۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۳، ص ۲۲۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۲، ص ۳۲۸). مرحوم مقدس اردبیلی بعد از بررسی احتمالات صاحب تفسیر مجمع البیان که در ذیل این آیه شریفه بیان شده (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۲۲۸) چنین می‌نگارد: «متبادر از این آیه شریفه این است که نباید جهر در نماز از سوی نمازگزار خیلی بلند و خیلی آهسته باشد، بلکه باید حد وسط میان این دو انتخاب شود. اما از سنت پیامبر اکرم ﷺ چنین به دست می‌آید که انتخاب حد وسط در بعضی از نمازها از سوی ایشان اختیار شده است؛ مانند جهر در قرائت نمازهای صبح، مغرب و عشاء و نافله‌های شبانه و اخفات در سایر نمازها و دلیلی بر وجوب جهر و اخفات از سوی ایشان وجود ندارد» (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص ۸۴). صاحب مدارک الأحکام، فعل امر «وَ اَبْتَعْ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلاً» در این آیه شریفه را حمل بر حد وسط بین جهر و اخفات افراطی می‌داند که شامل همه نمازها می‌شود (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۳۵۷). همدانی در ضعف استدلال به این آیه شریفه حکایت فعل رسول اکرم ﷺ از بلند خواندن در نمازهای جهریه و آهسته خواندن در نمازهای اخفاتیه را کافی می‌داند (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۲۴۹). آنچه به نظر می‌رسد اشکالی که از سوی فقیهان شیعه در این آیه شریفه بنا بر قول به وجوب جهر و اخفات وارد بود در استحباب هم وارد است. نهایت مطلبی که از این آیه شریفه به دست می‌آید حد وسط جهر و اخفات است. بنابراین این آیه شریفه هیچ دلالتی بر وجوب یا استحباب جهر و اخفات قرائت نماز ندارد (بهبهانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۲؛ فاضل کاظمی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۲۰۱).

ب) روایات: قائلان به استحباب جهر و اخفات قرائت نماز به پنج روایت استدلال نموده‌اند که عمده آن در ادله وجوب مطرح شد و عبارتند از:

صحیح اول زرارہ: مرحوم مقدس اردبیلی به چند فقره از این روایت استناد کرده که استحباب از آنها فهمیده می‌شود. «فیما لاینبغی، نقص، قد تمّت» ایشان چنین می‌نویسد: «نقص در مقابل قد تمّت قرار گرفته و صراحت در بطلان نماز ندارد، بنابراین اعاده نماز واجب نیست بلکه دلالت بر تأکید استحباب دارد. علاوه بر اینکه جاهل بودن نمازگزار را نمی‌توان عذری برای ترک واجبات و شرایط نماز به حساب آورد، بلکه فقیهان جاهل را بدتر از فراموشی قرار می‌دهند. به علت اینکه امکان دارد شخص جاهل به واجبات و شرایط، جاهل مقصر باشد نه جاهل قاصر. بنابراین حمل روایت زرارہ بر استحباب واضح و روشن به نظر می‌رسد» (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۲۷).

فقیهان دیگری نیز چنین نظریه‌ای دارند و از جمله (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۵۷؛ سبزواری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۲۷۴؛ عاملی، محمدبن علی، ۳، ص ۳۵۷؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۸۸، ص ۷۷).

صحیح دوم زرارہ: کیفیت استدلال به این روایت همانند صحیح اول زرارہ است.

صحیح علی بن جعفر: مرحوم مقدس اردبیلی این روایت را به جهت قوت سند و دلالت متن از صحیحترین روایات بر استحباب جهر و اخفات قرائت نماز می‌داند. علاوه بر اینکه ایشان معتقد است این روایت دلالت بر تقیه ندارد (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ص ۲، ص ۲۲۷). در مقابل نظریه ایشان، طوسی مخالفت نموده و می‌فرماید: «به مفاد این روایت عمل نمی‌شود» (ر.ک: محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۷). مبنای بیشتر فقیهان شیعه در مورد وجوب یا استحباب جهر و اخفات قرائت نماز به دو صحیح زرارہ و علی بن جعفر بر می‌گردد. به علت اینکه عمده ادله در کتابهای فقیهان شیعه در مسئله جهر و اخفات قرائت نماز به صحیح اول و دوم زرارہ و علی بن جعفر بر می‌گردد. غالب فقیهانی که قائل به استحباب یا وجوب جهر و اخفات قرائت نماز هستند نتوانسته‌اند تعارض بین اینها را حل نمایند. فقیهانی که قائل به وجوب جهر و اخفات قرائت نمازند، دو صحیح زرارہ را حمل بر وجوب نموده و صحیح علی بن جعفر را به خاطر وجود جمله «و علیه الإعادة» در روایت زرارہ حمل بر تقیه کرده‌اند. در مقابل این دسته از فقیهان شیعه، فقیهان دیگری قائل به استحباب جهر و اخفات قرائت نمازند؛ چون قادر نیستند وجه و علتی برای تقیه‌ای

بودن صحیحه علی بن جعفر تصور نمایند، حکم به استحباب جهر و اخفات این صحیحه و صحیحه زراره کرده‌اند. در پذیرش و عدم پذیرش روایت علی بن جعفر در باب جهر و اخفات قرائت نماز بین فقیهان شیعه سه نظریه وجود دارد:

نظریه اول: بعضی از فقیهان شیعه این روایت را حمل بر تقیه نموده و وجوب جهر و اخفات قرائت را از آن استنباط نموده‌اند (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳۱۳؛ حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۸۷؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۲۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۱۳۶).

نظریه دوم: دیگر فقیهان امامیه حمل این روایت بر تقیه را ممنوع دانسته و حکم استحباب جهر و اخفات قرائت را از این روایت به دست آورده‌اند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۲۷، محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۷؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۳۵۸، فاضل کاظمی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۲۰۳).

نظریه سوم: بعضی از فقیهان شیعه این روایت را دلیل بر وجوب یا استحباب جهر و اخفات قرائت نماز ندانسته و وجه جمعی را میان این روایت با دو صحیحه زراره پیشنهاد داده‌اند.

وجه جمع میان صحیحه علی بن جعفر با دو صحیحه زراره: بعضی از فقیهان شیعه وجه جمع و راه علاج ارائه نموده‌اند که به آنها اشاره می‌شود:

۱- مرحوم حلی در کتاب مختلف الشیعه این روایت را حمل بر جهر عالی و بلند در قرائت حمد و سوره نماز نموده است (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۵۴).

۲- مرحوم نجفی این روایت را دال بر وجوب جهر و اخفات قرائت نماز نمی‌داند و چهار وجه جمع بیان می‌کند: الف) این روایت بر سایر اذکار واجب نماز غیر از قرائت حمد و سوره دلالت دارد. ب) فرد عالی از جهر اراده شده و شخص نمازگزار نباید قرائت نماز را خیلی بلند بخواند. ج) این روایت دلالت بر استحباب جهر در نماز جمعه داشته باشد. د) در این فقره از روایت «هَلْ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَجْهَرُ» واژه «علیه» به معنای «له» باشد و واژه «أَنْ» به صورت «إِنْ» قرائت شود که در این صورت معنای تقیه‌ای از آن برداشت نمی‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۳۶۹).

۳- بروجردی روایت علی بن جعفر را حمل بر تخییر جهر و اخفات قرائت حمد و سوره نموده است (طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۲۳۷).

۴- مرحوم خوبی در متن این روایت مناقشه نموده و این روایت را ناظر به وجوب جهر و اخفات قرائت نمی‌داند. هم‌چنین ایشان به این فقره از روایت «هل علیه أن لا یجهر» استناد نموده که راوی از امام علیه السلام سؤال پرسیده است و با توجه به این سؤال، ایشان اعتقاد دارد این روایت بر سایر اذکار واجب نماز غیر از قرائت حمد و سوره دلالت دارد. ایشان برای تأیید این نظریه به دو روایت دیگر از علی بن جعفر^۷ و صحیحہ علی بن یقطين^۸ اشاره نموده که دلالت بر جهر و اخفات قرائت سایر اذکار نماز دارند (خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۴، ص ۳۷۶). فاضل هندی در این مسئله هم‌نظر با خوبی است (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۴).

با توجه به بررسی نظریات و ادله فقیهان شیعه در وجه جمع میان این روایات چنین به نظر می‌رسد روایت علی بن جعفر دلالتی بر وجوب یا استحباب قرائت حمد و سوره ندارد و باید این روایت را بر جهر و اخفات قرائت سایر اذکار واجب نماز غیر از حمد و سوره نماز حمل نمود. همان‌طور که مشهور فقیهان شیعه قائل به چنین حکمی هستند.

صحیحہ مسلم^۹: مرحوم سبزواری دلالت این روایت را بر استحباب جهر و اخفات قرائت نماز صحیح می‌داند (سبزواری، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۴). با دقت در این روایت می‌توان

۷. «محمد بن الحسن بإسناده عن محمد بن أحمد بن يحيى عن العُمركي عن علي بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر علیه السلام قال: سألتُه عن الرجل هل يجهر بالتشهد والقول في الركوع والسجود والقنوت قال: إن شاء جهر وإن شاء لم يجهر» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۳۳۲)، «وإسناده عن محمد بن أحمد بن يحيى عن العُمركي عن علي بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر علیه السلام قال: سألتُه عن الرجل هل له أن يجهر بالتشهد والقول في الركوع والسجود والقنوت فقال: إن شاء جهر وإن شاء لم يجهر» (همان، ج ۶، ص ۲۹۰).

۸. «محمد بن الحسن بإسناده عن محمد بن علي بن محبوب عن محمد بن عيسى الغبيدي عن الحسن بن علي عن أخيه الحسين عن أبيه علي بن يقطين قال: سألتُ أبا الحسن الماضي علیه السلام عن الرجل هل يصلح له أن يجهر بالتشهد والقول في الركوع والسجود والقنوت فقال: إن شاء جهر وإن شاء لم يجهر» (همان، ج ۶، ص ۲۹۰).

۹. «علي بن محمد، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن العلاء، عن محمد بن مسلم، قال: سألتُه أبا جعفر علیه السلام عن الذي لا يقرأ فاتحة الكتاب في صلاته؟ قال: لا صلاة له إلا أن يبدأ بها في جهر، أو إخفات قلت: أيهما أحب إليك، إذا كان خائفاً أو مستعجلاً يقرأ بسورة، أو فاتحة الكتاب؟ قال: فاتحة الكتاب» (كليني، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۵۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۷؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳۹۴).

چنین برداشت نمود که این روایت دلالت بر استحباب ندارد، همان طور که مرحوم طوسی معتقد است: «اگر کسی عمداً قرائت حمد را در نمازش ترک کند نمازش صحیح نیست اما اگر کسی سوره حمد را در نماز فراموش کند، نمازش صحیح است» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۷).

صحيحه حلبين^{۱۰}: مرحوم سبزواری این روایت را از ادله استحباب جهر و اخفات قرائت نماز به شمار آورده است (سبزواری، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۴). طوسی این روایت را حمل بر تقییه نموده و معتقد است می توان در نمازهای نافله خواندن بسمله را در قرائت سوره نماز ترک کرد (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳۱۳). مرحوم حر عاملی هم چون طوسی قائل به تقییه ای بودن این روایت بوده و در کتاب وسائل الشیعه این حدیث را در بابی به نام «جَوازُ تَرَکِ البَسْمَلَةِ لِلتَّقِيَّةِ وَ جَوازُ تَرَکِ الجَهْرِ بِهَا فِي مَحَلِّ الاخْفَاتِ وَ فِي التَّقِيَّةِ» آورده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۶۱).

ج) اصل برائت: شخص نمازگزار از وجوب قرائت نماز به صورت جهری یا اخفاتی بریء الذمه بوده و امری مستحب است. ابن جنید و مقدس اردبیلی به این دلیل احتجاج کرده اند (ابن جنید، ۱۴۱۶، ص ۵۵؛ مقدس اردبیلی، بی تا، ص ۸۴؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۷۲).

۲-۲. ادله فقیهان اهل سنت

ادله فقیهان اهل سنت را می توان در سه دلیل دسته بندی کرد:

الف) تأسی به فعل پیامبر اکرم ﷺ: در مورد قرائت نماز پیامبر اکرم ﷺ آنچه از صحابه و تابعان نقل شده دلالت بر استحباب این امر دارد (مقدسی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۷۲؛ ابن قدامه، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۴۹).

۱۰. «عُبَيْدُ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ»: «سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُمَا سَأَلَاهُ عَمَّنْ يَقْرَأُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - حِينَ يُرِيدُ يَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ قَالَ نَعَمْ إِنْ شَاءَ سِرًّا وَ إِنْ شَاءَ جَهْرًا فَقَالَا أَيْفَقَرُّوْهَا مَعَ السُّورَةِ الْآخِرَى فَقَالَ لَأَ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۸؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳۱۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۶۱).

ب) اجماع: بعضی از فقیهان اهل سنت بر استحباب جهر و اخفات قرائت نماز، از اجماع استفاده نموده‌اند (مقدسی، ۱۴۲۶ق، ۱، ص ۷۲).

ج) روایت: مقدسی در کتاب «العدة شرح العمدة» در باب استحباب جهر و اخفات قرائت نماز، به روایتی از صحیح مسلم استناد کرده که پیامبر اکرم ﷺ چنین می‌فرماید: «إذا نسي أحدكم فليسجد سجدة» (مسلم بن حجاج، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰۰)؛ برای هر فراموشی در نماز خصوصاً فراموشی جهر و اخفات قرائت نماز، باید دو سجده سهو انجام شود. ایشان در ادامه نقل روایت، بر اثبات مطلب خویش چنین استدلال می‌آورد: «زمانی که اعتقاد به مشروع بودن و جواز سجده سهو به وجود آید، استحباب جهر و اخفات قرائت نماز از آن به دست می‌آید. همان‌طور که در روایت نبی مکرم اسلام ﷺ جمله «إن شاء سجد» به استحباب جهر و اخفات قرائت نماز تصریح دارد. علاوه بر اینکه سجده سهو در مقابل عمل غیرواجب قرار داده شده است. ایشان در پایان از مطالبش چنین نتیجه‌گیری کرده که جهر و اخفات قرائت نماز واجب نیست (مقدسی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۷۶).

۳. تفصیل بین امام جماعت و شخص فرادی

مشهور فقیهان حنفی و حنبلی معتقدند به اینکه باید بین امام جماعت و شخص فرادی تفصیل قائل شد؛ امام جماعت باید قرائت حمد و سوره را در نمازهای جهریه بلند بخواند، اما شخص فرادی مخیر است که قرائتش را بلند یا آهسته بخواند (غیتابی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۹۳؛ مرداوی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۲؛ صقعی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۴؛ ابن مفلح، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۹۱؛ جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۴۸). بعضی از فقیهان حنبلی معتقدند شخص فرادی به هر صورتی که حضور قلب بیشتری در نماز پیدا می‌کند، در جهر و اخفات قرائت نماز مخیر است. ایشان به روایت ابوهریره^{۱۱} از پیامبر اکرم ﷺ استناد می‌کنند که جهر و اخفات قرائت نماز ایشان به اندازه معمول و متعادل بوده است (صقعی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۴؛ جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۴۸). اما بعضی دیگر از فقیهان حنفی معتقدند آهسته خواندن قرائت حمد و سوره در نمازهای إخفاتی، بر امام جماعت واجب است و بنا بر أصح اقوال

۱۱. «عن أبي هريرة قال: كانت قراءة النبي ﷺ بالليل يرفعُ طَوْرًا ويخفضُ طَوْرًا» (ابوداود سجستانی،

بی‌تا، ج ۱، ص ۵۰۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۸، ص ۱۱۷).

إخفاتی خواندن قرائت حمد و سوره بر مأوم نیز واجب است. هم‌چنین واجب بودن جهر قرائت در نمازهای جهریه در حق شخصی که فرادی نماز می‌خواند، افضل و نیکو است (موصلی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۵۵).

ادله قول به تفصیل عبارتند از:

الف) تأسی به فعل پیامبر اکرم ﷺ: بعضی از فقهای حنبلی به این دلیل بر استحباب جهر قرائت بر امام جماعت استدلال کرده‌اند (زرزور، بی‌تا، ص ۱۸۹).

ب) شرط افضل بودن جهر قرائت امام جماعت، یکی از این دو مورد است: الف) جماعت خواندن نماز؛ ب) خواندن نماز در اول وقت. این دو شرط در امام جماعت وجود دارد. اما شخصی که فرادی نماز می‌خواند مخیر است قرائت نماز را به صورت جهریه یا اخفاتی بخواند (شیبانی، ۱۴۰۶ق، ص ۹۷؛ زبیدی حنفی، ۱۳۲۲ق، ج ۱، ص ۵۶؛ ابن‌عابدین، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۳۴).

ج) در مورد افضلیت جهر قرائت بر امام جماعت، روایات متواتری نقل شده است و اما شخص فرادی در جهر و اخفات قرائت مخیر است؛ زیرا از جهتی امام خودش است و می‌تواند قرائت نماز را جهریه بخواند و از طرف دیگر چون امام جماعت نیست تا دیگران پشت سر او نماز بخوانند، می‌تواند نماز را اخفاتی بخواند (زبیدی حنفی، ۱۳۲۲ق، ج ۱، ص ۵۶؛ مرغینانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵؛ رومی بابرته، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲۴؛ غیتابی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۹۳).

د) اجماع (رومی بابرته، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲۴؛ زرکشی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۶۰۳).

۴. ارزیابی دیدگاهها

پس از بررسی دیدگاهها و ادله فقیهان شیعه و مذاهب اربعه اهل سنت در باب جهر و اخفات قرائت حمد و سوره نمازهای یومیه به استناد روایات صحیحه، اجماع، تأسی به فعل پیامبر اعظم ﷺ که به نقل برخی از فقیهان شافعی، به نحو متواتر نقل شده و هم‌چنین اجماع ادعا شده توسط برخی از فقیهان شافعی و امامی و نیز سیره مستمره پیامبر اسلام ﷺ چنین به دست می‌آید که نظریه مشهور فقیهان شیعه و فقیهان شافعی که قائل به وجوب جهر و اخفات قرائت حمد و سوره به توضیحی که بیان شد در نمازهای یومیه هستند مورد

پذیرش و با نظر به دلائل بیان شده، اقوی از دیگر دیدگاهها بوده و بنابراین می‌توان این دیدگاه را به عنوان نظریه برگزیده قبول نمود.

حکم جهر و اخفات قرائت رکعت سوم و چهارم

در مورد قرائت رکعت سوم و چهارم، فقیهان شیعه نمازگزار را مخیر بین قرائت حمد و تسبیحات اربعه قرار می‌دهند (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۴۴؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۵۸؛ خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۱۷۶). اما مشهور فقیهان مذاهب اربعه اهل سنت، سوره حمد را واجب می‌دانند (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۳۰). در میان فقیهان مذاهب اسلامی یا به‌خصوص مذهب شیعه در مورد جهر و اخفات قرائت (حمد یا تسبیحات اربعه) چند قول وجود دارد.

۱. وجوب اخفات

مشهور فقیهان شیعه قائل به وجوب اخفات ذکر تسبیحات اربعه در نمازهای یومیه هستند (ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۷۸؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۳۸؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۳۰؛ همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۲۵۲؛ خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۴، ص ۴۸۱). قائلان این نظریه به شش دلیل استناد کرده‌اند که عبارتند از:

الف) سیره مستمره پیامبر اکرم ﷺ و معصومان علیهم‌السلام: مداومت بر إخفات از سوی پیامبر اکرم ﷺ و امامان شیعه علیهم‌السلام نشانه وجوب اخفات ذکر تسبیحات اربعه است؛ زیرا اگر إخفات جایز بود باید ایشان حتی یک مرتبه هم آن را ترک می‌کردند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ص ۱۵۷؛ همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۲۵۷؛ خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۴، ص ۴۸۲؛ اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۵۴؛ اراکی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۸۴).

ب) اصل احتیاط: انصاری این دلیل را به مشهور فقیهان شیعه نسبت داده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۳۰).

ج) روایت عبید بن زراره^{۱۲}: مرحوم انصاری از این روایت به واسطه عموم بدلیتی که از جمله «وَأِنْ شِئْتَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ فَإِنَّهَا تَحْمِيدٌ وَ دُعَاءٌ» به دست می آید، حکم به مجزی بودن سوره فاتحه کتاب به جای تسیحات اربعه نموده است و ایشان معتقد است این سوره از افراد تحمید در روایت می باشد و وصف اخفاتی بودن، وجه مشترک بین سوره حمد و تسیحات است (همان جا).

د) روایت علی بن یقطین^{۱۳}: در این روایت راوی تصریح کرده به اینکه در رکعت سوم و چهارم نماز واجب است قرائت را به صورت اخفاتی خواند و امام موسی کاظم علیه السلام نیز این مطلب را تأیید نموده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۳۲).

ه) صحیح اول زراره: با استناد به این فقره صحیح اول زراره «فِي رَجُلٍ جَهَرَ فِيمَا لَا يَنْبَغِي الْأُجْهَارُ فِيهِ» که لفظ قرائت ذکر نشده اما در صحیح دوم زراره لفظ قرائت آمده است: «قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ جَهَرَ بِالْقِرَاءَةِ فِيمَا لَا يَنْبَغِي الْجَهْرُ فِيهِ» چنین به دست می آید که به اتفاق همه فقهای شیعه جهر تسیحات اربعه در قرائت رکعت سوم و چهارم رجحان ندارد (همان، ج ۱، ص ۳۳۱).

و) شهرت فتوایه: بعضی از فقهای شیعه به این دلیل استناد نموده اند (همان جا؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۵۶؛ اشتهااردی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۵۴).

۲. استحباب اخفات

بعضی از فقهای شیعه قائل به استحباب اخفات قرائت رکعت سوم و چهارم نمازهای یومیه هستند (ر.ک: محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۶، حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۴۶؛

۱۲. «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ عَنِ عَبِيدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ - الْأَخِيرَتَيْنِ مِنَ الظُّهْرِ قَالَ تُسَبِّحُ وَ تَحْمَدُ اللَّهَ - وَ تَسْتَغْفِرُ لِدُنْبِكَ - وَ إِنْ شِئْتَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ فَإِنَّهَا تَحْمِيدٌ وَ دُعَاءٌ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۰۷؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۹۸؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳۲۱).

۱۳. «عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنِ أَخِيهِ عَنِ أَبِيهِ فِي حَدِيثٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ - اللَّتَيْنِ يَصُمْتُ فِيهِمَا الْإِمَامُ - أَيْقُرَأُ فِيهِمَا بِالْحَمْدِ وَ هُوَ إِمَامٌ يُفْتَدَى بِهِ - فَقَالَ إِنْ قَرَأْتَ فَلَا بَأْسَ وَ إِنْ سَكَتَ فَلَا بَأْسَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۵۹؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۹۶).

مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۸۲، ص ۹۵؛ سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۲۷۲). ادله استحباب اخفات عبارتند از:

الف) اصل برائت: به واسطه این اصل، روایات این باب به خاطر جمع میان ادله، حمل بر استحباب اخفات می‌شود (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۴۶؛ سبزواری، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷۲).

ب) اطلاق ادله اخفات: ادله اخفاتی خواندن تسبیحات اربعه اطلاق دارد و دلیلی بر تقیید آن بر وجوب اخفات وجود ندارد (همان‌جا).

هم‌چنین بیشتر فقیهان اهل سنت چنین حکمی را داده‌اند (عمرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۰۵؛ بکری دمیاطی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۵۳؛ نووی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۸۹؛ البانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۳۹؛ غیتابی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۹۲؛ زبیدی حنفی، ۱۳۲۲ق، ج ۱، ص ۵۶؛ بلخی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۷۲؛ مرغینانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵؛ عبید، ۱۴۰۶ق، ص ۱۵۹؛ خطیب شربینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۴۳؛ ابن‌ملقن، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۳۰). فقیهان اهل سنت به سه دلیل استناد کرده‌اند:

۱- اجماع (نووی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۸۹).

۲- روایت ابی‌قتاده^{۱۴}: از این روایت چنین به دست می‌آید که پیامبر اکرم ﷺ در رکعت سوم و چهارم، سوره حمد را به صورت اخفاتیه قرائت می‌کرد. بنابراین فقیهان اهل سنت از این روایت استحباب اخفات را به دست آورده‌اند (البانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۳۹؛ غیتابی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۹۲).

۳- روایت خباب بن ارت^{۱۵}: از این روایت استفاده می‌شود که از تکان خوردن محاسن شریف پیامبر اکرم ﷺ، قرائت حمد و سوره در نمازهای اخفاتیه و قرائت ایشان در رکعت

۱۴. «عن أبي قتادة قال: كان النبي ﷺ يقرأ في الركعتين الأولىين من صلاة الظهر ب فاتحة الكتاب وسورتين، وفي رواية: وسورة وفي الركعتين الأخيرين ب أم الكتاب بطول في الأولى، ويقصر في الثانية، ويُسمع الآية أحياناً، وكان يقرأ في العصر ب فاتحة الكتاب وسورتين، وكان يطول في الأولى، وكان يطول في الركعة الأولى من صلاة الصبح، ويقصر في الثانية» (مسلم بن حجاج، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳).

۱۵. «حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَرِيرٌ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ عُمَارَةَ بْنِ عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي مَعْمَرٍ قُلْتُ لِيَخْبَابُ أَكَانَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يقرأ في الظهر والعصر قال نعم. قلنا من أين علمت قال باضطراب لحيته».

سوم و چهارم نماز فهمیده می‌شد. بعضی از فقهای اهل سنت به این روایت استناد نموده‌اند (عبید، ۱۴۰۶ق، ص ۱۵۹).

۳. وجوب جهر

فتوای مشهوری میان فقیهان بحرین در زمان انصاری وجود داشت که بر امام جماعت واجب است تسبیحات اربعه را به صورت جهریه بخواند و در صورت اخفاتیه خواندن نمازش باطل است. مستند این فتوا هم روایتی از امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید: «يُنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يُسْمِعَ مَنْ خَلْفَهُ^{۱۶}». اشکالی که مرحوم انصاری به این فقیهان وارد می‌کند این است که از لفظ «ینبغی» در روایت، استحباب جهریه خواندن ذکرهای تشهد، رکوع و سجود از امام جماعت فهمیده می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۳۲).

۴. تخییر اخفات

بعضی از فقیهان شیعه حکم به تخییر جهر و اخفات تسبیحات اربعه داده‌اند (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۸۲، ص ۹۵؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۴۳۸). مرحوم مجلسی حکم به تخییر را اقوی می‌داند. تنها دلیلی که به آن استناد می‌شود صحیحه دوم علی بن یقظین^{۱۷} است. بحرانی معتقد است مراد از «يَصْمُتُ» در جمله امام علیه السلام: «يَصْمُتُ فِيهِمَا الْإِمَامُ» به معنای «يُخَافِتُ» است و اشاره دارد به اینکه استحباب اخفات در رکعت سوم و چهارم نماز، مختص امام جماعت است و بنابراین دلالتی بر عمومیت اخفات ندارد (همان‌جا). مرحوم خوبی این روایت را قابل خدشه دانسته و معتقد است روایت مربوط به دو رکعت اول نمازهای اخفاتیه است (خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۴، ص ۴۸۲).

۱۶. «مَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبِخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ: يُنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يُسْمِعَ مَنْ خَلْفَهُ التَّشَهُدَ وَلَا يُسْمِعُونَهُ هُمْ شَيْئًا يَعْنِي الشَّهَادَتَيْنِ وَيُسْمِعُهُمْ أَيْضًا السَّلَامَ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۹۶).

۱۷. «عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي بْنِ يَقْظِينَ عَنْ أَخِيهِ عَنْ أَبِيهِ فِي حَدِيثٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ يَصْمُتُ فِيهِمَا الْإِمَامُ أَوْ يَقْرَأُ فِيهِمَا بِالْحَمْدِ وَهُوَ إِمَامٌ يَقْتَدِي بِهِ فَقَالَ إِنْ قَرَأْتَ فَلَا بَأْسَ وَإِنْ سَكَتَ فَلَا بَأْسَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۵۸).

۵. قول به تفصیل

ابن ادریس حلی قائل به تفصیل بوده و معتقد است در صورتی که در رکعت سوم و چهارم، سوره حمد قرائت شود واجب است اخفاتی قرائت شود و زمانی که تسبیحات اربعه خوانده شود بهتر است قرائت به صورت اخفاتی باشد (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۲۲).

۶. ارزیابی اقوال

با بررسی دیدگاهها و ادله فقیهان شیعه و مذاهب اربعه اهل سنت در زمینه جهر و اخفات قرائت در رکعت سوم و چهارم نماز، مشاهده می‌شود که نظریه‌هایی نظیر وجوب جهر و یا تخییر میان جهر و اخفات، به دلیل اشکالات مطرح شده، قابل قبول نیستند. هم‌چنین نظریه تفصیلی که تنها از ابن ادریس حلی نقل شده است، به دلیل عدم ارائه دلیل موجه و انحصار به یک فرد، در برابر دیگر نظریات قابل پذیرش نیست.

نظریه استحباب اخفات که از سوی برخی فقیهان شیعه مطرح شده نیز به دلیل اتکا بر ادله فقهاتی و عدم استناد به ادله اجتهادی، قابل قبول نیست. با وجود اینکه در صورت نبودن ادله اجتهادی می‌توان به ادله فقهاتی اکتفا نمود (نائینی، ۱۳۷۶ ش، ج ۴، ص ۴۸۱). در این راستا، قائلان به وجوب اخفات از ادله اجتهادی و فقهاتی بهره برده‌اند. از طرف دیگر، فقیهان اهل سنت با استناد به روایات ابی‌قتاده و خباب بن ارت در تلاش برای اثبات استحباب اخفات هستند، اما دلالت این روایات ناتمام و قابل خدشه است و ادعای اعتبار اجماع نیز با مشکل مواجه است.

به نظر می‌رسد که نظریه مشهور فقیهان شیعه، که وجوب اخفات قرائت در رکعت سوم و چهارم را فرض می‌کند، با توجه به دلایل ارائه شده، از استحکام بیشتری نسبت به سایر دیدگاهها برخوردار است. لذا این دیدگاه می‌تواند به عنوان نظریه برگزیده در این زمینه پذیرفته شود.

نتیجه

۱. قرائت نمازهای یومیه شامل استعاذه، بسمله، حمد و سوره و تسبیحات اربعه است که از جهت حکم جهر و اخفات، هر کدام از این موارد به طور جداگانه از سوی فقیهان شیعه و اهل سنت بررسی شده است.

۲. مشهور فقیهان شیعه و اکثر فقیهان شافعی در مورد قرائت حمد و سوره قائل به وجوب جهر قرائت بر مردان در نمازهای جهریه و وجوب اخفات بر مردان و زنان در نمازهای اخفاتی هستند؛ اما بعضی از فقیهان شیعه و فقیهان شافعی و اکثر فقیهان مالکی و حنبلی حکم به استحباب جهر قرائت بر مردان در نمازهای جهریه و استحباب اخفات قرائت بر مردان و زنان در نمازهای اخفاتی داده‌اند. اما فقیهان حنفی معتقدند امام جماعت می‌تواند قرائت حمد و سوره را در نمازهای جهریه به صورت بلند بخواند و شخص فرادی مخیر است که قرائت حمد و سوره را بلند یا آهسته بخواند. مشهور فقیهان شیعه به پنج دلیل استناد کرده‌اند که عبارتند از: الف) آیه ۱۱۰ سوره اسراء؛ ب) روایات باب جهر و اخفات قرائت حمد و سوره نماز که به سه دسته تقسیم‌بندی شد؛ ج) سیره مستمره پیامبر اکرم ﷺ و معصومان علیهم‌السلام؛ د) اجماع؛ ه) احتیاط. هم‌چنین مشهور فقیهان شافعی به چهار دلیل تمسک نموده‌اند: الف) روایات صحیحه؛ ب) تأسی به فعل پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ ج) اجماع؛ د) قیاس.

۳. با توجه به دلایل بیان‌شده برای وجوب جهر در قرائت رکعت اول و دوم نمازهای جهریه از سوی فقیهان امامی و بسیاری از فقیهان اهل سنت به جهر خواندن حمد و سوره دو رکعت اول نمازهای جهریه لازم و به نظر برخی دیگر از عالمان اهل سنت مستحب و می‌توان گفت حداقل مطابق با احتیاط است و بنابراین اخفات در این دو رکعت مطلوب نیست.

۴. در مورد تسبیحات اربعه مشهور فقیهان شیعه حکم به وجوب اخفات داده‌اند و اما بیشتر فقیهان اهل سنت قائل به استحباب اخفات هستند. مشهور فقیهان شیعه به شش دلیل استناد کرده‌اند که عبارتند از: الف) سیره مستمره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و معصومان علیهم‌السلام؛ ب) اصل احتیاط؛ ج) روایت عبید بن زراره؛ د) روایت علی بن یقظین؛ ه) صحیحه اول زراره؛ و) شهرت فتوائیه.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی (١٤٠٥ق). *عوالی الثانی العزیزیه*. قم: سیدالشهداء علیه السلام.
- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور (١٤١٠ق). *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (١٣٧٨ق). *عیون أخبار الرضا*. تهران: جهان.
- همو (١٤١٣ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن جزی کلبی، محمد بن احمد (١٤٢٧ق). *القوانین الفقهیه فی تلخیص مذهب المالکیه*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن جنید، محمد بن احمد (١٤١٦ق). *مجموعه فتاوی ابن الجنید*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن داود حلی، حسن بن علی (١٣٤٢ش). *کتاب الرجال*. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن رشد، محمد بن احمد (١٤٢٥ق). *بداية المجتهد ونهاية المقتصد*. قاهره: دارالحدیث.
- ابن زهره حلبی، حمزة بن علی (١٤١٧ق). *غنیة النزوع الی علمی الأصول و الفروع*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- ابن شاس، عبدالله بن نجم (١٤٢٣ق). *عقد الجواهر الثمینة فی مذهب عالم المدینة*. بیروت: دارالغرب الإسلامی.
- ابن عابدین، محمد امین بن عمر (١٤١٢ق). *رد المحتار علی الدر المختار*. بیروت: دارالفکر.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (٢٠٠٠م). *الاستذکار الجامع لمذاهب فقهاء الأمصار*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عسکر بغدادی، عبدالرحمن بن محمد (بی تا). *ارشاد السالک الی اشرف المسالک فی فقه الإمام مالک*. مصر: مطبعة مصطفى البابي الحلبي و أولاده.
- ابن فارس، احمد بن فارس (١٤٠٤ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (١٤١٤ق). *الکافی فی فقه الإمام احمد*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن مفلح، ابراهیم بن محمد (١٤٢٣ق). *المبدع فی شرح المقنع*. ریاض: دار عالم الکتب.
- ابن ملقن، عمر بن علی (١٤٢٧ق). *التذکرة فی الفقه الشافعی*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (١٤١٤ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (بی تا). *سنن أبي داود*. بیروت: دارالکتب العربی.
- اراکی، محمد علی (١٤٢١ق). *کتاب الصلاة*. قم: دفتر آیت الله اراکی.


- اشتهاوردی، علی پناه (۱۴۱۷ق). مدارک العروة. تهران: اسوه.
- البانی، محمد ناصرالدین (۱۴۲۲ق). مختصر صحیح الإمام البخاری. ریاض: مكتبة المعارف.
- انصاری، زکریا بن محمد (۱۴۲۲ق). اسنى المطالب فى شرح روض الطالب. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق). کتاب الصلاة. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بحرانی، احمد بن صالح (۱۴۱۹ق). الرسائل الأحمديّة. قم: دارالمصطفی.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فى احکام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ق). الجامع الصحیح. بیروت: دار ابن کثیر.
- بکری دمیاطی، ابوبکر بن محمد (۱۴۱۸ق). اعانة الطالبین. بیروت: دارالفکر.
- بلخی، نظام الدین (۱۴۱۱ق). الفتاوى الهندية فى مذهب الإمام الأعظم ابى حنيفة النعمان. بیروت: دارالفکر.
- بهبهانی، محمدباقر بن محمد (۱۴۱۹ق). الحاشیة على مدارک الأحکام. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- بهوتی، منصور بن یونس (۱۴۰۲ق). کشف القناع عن متن الإقناع. بیروت: دارالفکر.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۳۴۴ق). السنن الكبرى. حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف النظامیة.
- تویجرى، محمد بن ابراهیم (۱۴۳۰ق). موسوعة الفقه الإسلامی. بی جا: بیت الأفكار الدولیة.
- جزیری، عبدالرحمن، غروی، سید محمد، و مازح، یاسر (۱۴۱۹ق). الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت علیهم السلام. بیروت: دارالتقلین.
- حائری یزدی، عبدالکریم (۱۴۰۴ق). کتاب الصلاة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة الى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق). مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسه دارالتفسیر.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق). تحریر الأحکام الشرعیة على مذهب الإمامیة. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- همو (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- همو (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعة فى احکام الشریعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- همو (۱۴۱۲ق). منتهی المطالب فى تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
- همو (۱۴۱۹ق). نهاية الإحکام فى معرفة الأحکام. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

- خطیب شریینی، محمد بن احمد (۱۴۱۵ق). *معنی المحتاج الى معرفة معانی الفاظ المنهاج*. بیروت: دارالفکر.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۹۲ش). *تحریر الوسیلة*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق). *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). *موسوعة الإمام الخوئی*. قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی.
- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن (۴۰۷ق). *مسند الدارمی*. بیروت: دارالکتب العربی.
- دلبری، سید علی، احمدی نیک، سید مهدی، و رفتاری، حسین (۱۳۹۹ش). *معیار جهر و اخفات قرائت نماز از دیدگاه فقیهان شیعه*. آموزه های فقه عبادی، (۱)، ۳-۲۶.
- ذاکری، علی اکبر (۱۳۹۸ش). *درآمدی بر سیره معصومان علیهم السلام در کتابهای چهارگانه شیعه*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد (بی تا). *فتح العزیز فی شرح الوجیز*. بیروت: دارالفکر.
- راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۵ق). *فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام*. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- رومی بابرته، محمد بن محمد (بی تا). *العناية شرح الهدایة*. بیروت: دارالفکر.
- زبیدی حنفی، ابوبکر بن علی (۱۳۲۲ق). *الجوهرة النيرة*. قاهره: المطبعة الخيرية.
- زحیلی، وهبه (۱۴۰۵ق). *الفقه الإسلامی و أدلته*. دمشق: دارالفکر.
- زرزور، سعاد (بی تا). *فقه العبادات علی المذهب الحنبلی*. بی جا: بی نا.
- زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۳ق). *شرح الزرکشی علی مختصر الخرقی*. ریاض: دارالعبيکان.
- سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳ق). *کفاية الأحکام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- همو (بی تا). *ذخيرة المعاد فی شرح الإرشاد*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۱۴ق). *المبسوط*. بیروت: دارالمعرفة.
- شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۴۱۷ق). *المواقفات*. مدینه: دار ابن عفان.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۹ق). *ذکری الشیعة فی أحکام الشریعة*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- همو (۱۴۱۰ق). *اللمعة الدمشقية*. بیروت: دار التراث.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقية*. قم: کتابفروشی داوری.
- شیبانی، محمد بن حسن (۱۴۰۶ق). *الجامع الصغیر*. بیروت: عالم الکتب.

- صقعبى، خالد بن ابراهيم (بى تا). القول الراجح مع الدليل من شرح منار السبيل. قسيم: دار ام- المؤمنین خديجه.
- طباطبايى بروجردى، سيد حسين (۱۴۲۶ق). تبيان الصلاة. قم: گنج عرفان.
- طباطبايى يزدى، سيد محمد كاظم (۱۴۰۹ق). العروة الوثقى. بيروت: مؤسسة الأعلمی.
- طباطبايى، سيد محمد حسين (۱۳۹۰ق). الميزان فى تفسير القرآن. بيروت: مؤسسة الأعلمی.
- طبرسى، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البيان فى تفسير القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طوسى، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق). الإستبصار فيما اختلف من الأخبار. تهران: دارالكتب الإسلاميه.
- همو (بى تا). التبيان فى تفسير القرآن. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- همو (۱۳۶۵ش). تهذيب الأحكام. تهران: دارالكتب الإسلاميه.
- همو (۱۴۰۷ق). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامى.
- همو (۱۳۸۷ق). المبسوط فى فقه الإماميه. تهران: المكتبة المرتضوية.
- همو (۱۴۰۰ق). النهاية فى مجرد الفقه و الفتاوى. بيروت: دارالكتاب العربى.
- عبدرى غرناطى، محمد بن يوسف (۱۳۹۸ق). التاج و الإكليل لمختصر خليل. بيروت: دارالفكر.
- عبید، كوكب (۱۴۰۶ق). فقه العبادات على المذهب المالكى. دمشق: مطبعة الإنشاء.
- عمرانى، يحيى بن ابى الخير (۱۴۲۱ق). البيان فى مذهب الإمام الشافعى. جده: دارالمنهاج.
- غورى، عبدالماجد (۱۴۲۸ق). معجم المصطلحات الحديثية. دمشق: دار ابن كثير.
- غيتابى، محمود بن احمد (۱۴۲۰ق). البناءية شرح الهداية. بيروت: دارالكتب العلمية.
- فاضل كاظمى، جواد بن سعيد (۱۳۶۵ش). مسالك الأفهام إلى آيات الأحكام. تهران: المكتبة المرتضوية.
- فاضل مقداد (سيورى حلى)، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۵ق). كنز العرفان فى فقه القرآن. تهران: المكتبة المرتضوية.
- فاضل هندى، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامى.
- فراهيدى، خليل بن احمد (۱۴۱۰ق). كتاب العين. قم: دارالهجرة.
- فيومى، احمد بن محمد (بى تا). المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير. قم: منشورات دارالرضى.
- كاسانى، ابوبكر بن مسعود (۱۴۰۲ق). بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع. بيروت: دارالكتاب العربى.
- كاشف الغطاء، حسن بن جعفر (۱۴۲۲ق). أنوار الفقاهة. نجف: مكتبة كاشف الغطاء العامة.

- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). رجال الکشی. مشهد: دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۱ق). کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۱۰ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسة الوفاء.
- محدثی، جواد (۱۳۸۹ش). فرهنگ‌نامه دینی. قم: معروف.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- همو (۱۴۰۷ق). المعتبر فی شرح المختصر. قم: سیدالشهداء علیه السلام.
- محقق داماد، سید محمد (۱۴۱۶ق). کتاب الصلاة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مدیرشانه‌چی، کاظم (۱۳۸۴ش). تاریخ حدیث. تهران: سمت.
- مرداوی، علی بن سلیمان (۱۴۱۹ق). الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف. بیروت: دارإحیاء التراث العربی.
- مرغینانی، علی بن ابی‌بکر (بی‌تا). الهدایة فی شرح بدایة المبتدی. بیروت: دارإحیاء التراث العربی.
- مسلم بن حجاج نیشابوری (بی‌تا). صحیح مسلم. بیروت: دارإحیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ق). الفقه علی المذاهب الخمسة. بیروت: دارالتیاریت جدید.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی‌تا). زبدة البیان فی احکام القرآن. تهران: المكتبة المرتضوية.
- همو (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مقدسی، عبدالرحمن بن ابراهیم (۱۴۲۶ق). العدة شرح العمدة. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- موسوی عاملی، سید محمد بن علی (۱۴۱۱ق). مدارک الأحکام فی شرح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه آل‌البتی علیهم السلام.
- موصلی، عبدالله بن محمود (۱۴۲۶ق). الاختیار لتعلیل المختار. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶ش). فوائد الأصول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دارإحیاء التراث

العربی.

- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق). *مستند الشيعة في احكام الشريعة*. قم: مؤسسه آل البيت 
- نووی، یحیی بن شرف (بی تا). *المجموع شرح المذهب*. مدینه: مکتبه المسجد النبوی الشریف.
- همدانی، رضا بن محمد هادی (۱۴۱۶ق). *مصباح الفقیه*. قم: المؤسسة الجعفرية.
- یزدی، محمد (۱۳۷۴ش). *فقه القرآن*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.